

تبیین معنای «فتنه» در آیات مشتمل بر ماده فتنه

با تأکید بر معنای کفر، شرک و ارتداد

کاوس روحی برندق^{۱*}، علی بیدسرخ^۲

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۶

چکیده

یکی از واژگان چالش‌آفرین و به‌نسبت پرکاربرد در قرآن کریم واژه فتنه و مشتقات آن است که مفسران معانی مختلفی از قبیل کفر و شرک، آزمایش، عذاب، ضلالت و... برای آن بیان کرده‌اند. در این میان واژه فتنه در هفت آیه به معنای کفر و شرک و ارتداد تفسیر شده‌است. در این مقاله با روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته شده‌است و با شیوه تحلیلی - توصیفی استدلال‌های مفسران در تبیین وجوه معنایی مذکور تجزیه و تحلیل و بررسی شده‌است. سپس با ارائه دیدگاهی جامع در این زمینه، این نتیجه به دست آمده که واژه فتنه در برخی از این آیات هفتگانه (۱۹۱ بقره و ۹۱ نساء) بر معنای شرک و کفر قابل تطبیق است و در برخی دیگر (۱۹۳ بقره و ۳۹ انفال و ۲۱۷ بقره) معنای شرک، بر دیگر وجوه ارجحیت دارد. همچنین در آیه ۲۳ سوره انعام، فتنه بر سه معنای احتمالی (پاسخ، معذرت، شرک و کفر) دلالت می‌کند، و در آیه ۱۴ سوره احزاب، فتنه در معنای ارتداد به کار رفته‌است.

کلیدواژه‌ها: فتنه؛ قرآن؛ مفسران؛ کفر؛ شرک و ارتداد.

۱. مقدمه

یکی از پربسامدترین واژگان در قرآن کریم، واژه فتنه و مشتقات ماده (ف ت ن) است. این ماده در قرآن کریم شصت بار تکرار شده‌است، مشتقات اسمی آن سی‌وهشت بار و از این تعداد، «فتنه»

سی و یک بار (بقره/ ۱۰۲، ۱۹۱، ۲۱۷، آل عمران/ ۷، نساء/ ۹۱، مائده/ ۴۱، ۷۱، انفال/ ۲۵، ۲۸، ۳۹، ۷۳، توبه/ ۴۷، ۴۸، ۴۹، یونس/ ۸۵، اسراء/ ۶۰، انبیاء/ ۱۳۵، ۱۱۱، حج/ ۱۱، ۵۲، نور/ ۶۳، فرقان/ ۲۰، عنکبوت/ ۱۰، احزاب/ ۱۴، صافات/ ۶۳، زمر/ ۴۹، قمر/ ۲۷، ممتحنه/ ۵، تغابن/ ۱۵، مدثر/ ۳۱) و چهار بار به صورت مضاف و مضاف‌الیه، «فتنه» (مائده/ ۴۱)، «فتنهم» (انعام/ ۲۳) «فتنک» (اعراف/ ۱۵۵) «فتنکم» (ذاریات/ ۱۴) آمده‌است و در مجموع مشتقات اسمی و فعلی آن در ۵۸ آیه قرآن کریم ذکر شده‌است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق: ۵۱۱-۵۱۲). مشتقات اسمی و فعلی ماده (ف ت ن) در وجوه معنایی متعددی در قرآن کریم به کار رفته‌است و مفسران و نگارندگان کتب وجوه و نظایر، معانی متعددی نظیر: شرک و کفر، آزمایش، ضلالت، عذاب و... برای آنها بیان کرده‌اند. هارون بن موسی از جمله اولین نگارندگان وجوه و نظایر در قرن دوم هجری ده وجه (هارون بن موسی، ۱۴۰۹ق: ۷۸) / ابن قتیبه در کتاب **تأویل مشکل القرآن**، پنج وجه (ابن قتیبه، ۱۴۰۱ق: ۴۷۴-۴۷۲) **حیرى نیشابوری**، و **تفلیسی** از نگارندگان قرن پنجم و **ابن جوزی** از نگارندگان وجوه و نظایر در قرن ششم، **پانزده** وجه (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۴۴۲-۴۴۰، تفلیسی، ۱۳۷۱ش: ۲۱۸-۲۱۶، ابن جوزی، ۱۴۰۷ق: ۴۷۷) و **دامغانی** از دیگر نویسندگان قرن پنجم، **یازده** وجه را برای فتنه در قرآن ذکر کرده‌است (دامغانی، ۱۹۹۲م: ۱۲۳-۱۱۹) که در مجموع این وجوه عبارتند از: اختیار و ابتلاء، شرک، کفر، عذاب، سوزاندن به آتش، قتل، صدمه (بازداشتن) و ازاله (انحراف و لغزانیدن)، ضلالت، عبرت، معذرت، اثم (گناه)، عقوبت، مرض، قضاء، جنون. مفسران نیز معنای فتنه را در ذیل آیات پنجاه‌وهشت‌گانه آورده‌اند و بر این اساس می‌توان آیات را در هفت دسته تقسیم‌بندی نمود:

۱. دسته‌ای از آیات که فتنه و مشتقات در معنای امتحان و اختبار (آزمایش) به کار رفته‌است: الف) آیات چهارده‌گانه که همه مفسران فتنه و مشتقات آن را به امتحان و آزمایش تفسیر نموده‌اند (بقره/ ۱۰۲، انعام/ ۵۳، اعراف/ ۱۵۵، اسراء/ ۶۰، انبیاء/ ۳۵، فرقان/ ۲۰، عنکبوت/ ۲، عنکبوت/ ۳، ص/ ۲۴، ص/ ۳۴، زمر/ ۴۹، قمر/ ۲۷، جن/ ۱۷، مدثر/ ۳۱)؛ البته در اکثر این آیات چهارده‌گانه در بیان مراد از وسایل امتحان و آزمایش در بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد، اما همگی مفسران مراد از فتنه و مشتقات آن را در این آیات، امتحان و اختبار دانسته‌اند. ب) آیات ده‌گانه که اکثریت مفسران مراد از فتنه را امتحان و آزمایش دانسته‌اند (مائده/ ۷۱، انفال/ ۲۸، توبه/ ۲۶، طه/ ۴۰، طه/ ۹۰، طه/ ۱۳۱، انبیاء/ ۱۳۱، حج/ ۱۱، حج/ ۵۳، دخان/ ۱۷).

۲. آیاتی که فتنه و مشتقات آن به شرک یا کفر و یا هر دو تفسیر شده‌است (بقره/ ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۱۷، نساء/ ۹۱، انفال/ ۳۹، انعام/ ۲۳، احزاب/ ۱۴).

۳. دسته‌ای از آیات که فتنه و مشتقات آن به اضلال (گمراهی) یا ازال (لغزائیدن و انحراف) یا فریب و وسوسه تفسیر شده‌است (آل عمران/ ۷، مائده/ ۴۱ و ۴۹، اعراف/ ۲۷، اسراء/ ۷۳، صافات/ ۱۶۲).
۴. آیاتی که فتنه و مشتقات آن در معنای عذاب و توابع معنایی آن نظیر آزار و اذیت و شکنجه و سوختن آمده‌است. این آیات در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: الف) آیاتی که فتنه در آنها در معنای آزار و اذیت و عذاب (اعم از قتل، شکنجه و...) از ناحیه کفار بر مؤمنان آمده‌است (نساء/ ۱۰۱، یونس/ ۸۳، نحل/ ۱۱۰، عنکبوت/ ۱۰، ممتحنه/ ۵، بروج/ ۱۰). ب) آیاتی که فتنه و مشتقات آن در معنای عذاب خدای متعال و آشکال آن به کار رفته‌است (ذاریات/ ۱۴-۱۳).
۵. آیاتی که فتنه و مشتقات آن در معنای اختلاف و تفرقه به کار رفته‌است (توبه/ ۴۸ و ۴۷)، و آیه‌ای که ماده فتنه در معنای ذنب به کار رفته‌است (توبه/ ۴۹).
۶. آیه‌ای که ماده فتنه در معنای جنون یا مجنون به کار رفته‌است (قلم/ ۶).
۷. دسته‌ای از آیات که وجوه مختلف و متعددی برای فتنه و مشتقات آن ذکر شده‌است (انفال/ ۱۵ و ۷۳، نور/ ۶۳، صافات/ ۶۳، حدید/ ۱۴).
- از آنجاکه معانی و وجوه مطرح شده درباره فتنه، مبتنی بر استدلال‌های خاصی است، برای شناخت مراد اصلی از واژه یادشده، بررسی استدلال‌های مفسران در تعیین وجوه معنایی ضروری است، گرچه در معناشناسی واژه فتنه، مقاله‌های متعددی نوشته شده‌است، ولی در آنها استدلال‌های مفسران پیرامون آیات مربوط به وجوه معنایی فتنه به طور جامع بررسی نشده‌است و صرفاً وجوه معنایی این واژه از دیدگاه مفسران و یا کتب و وجوه و نظایر بیان شده‌است. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: «تأثیر وجوه و نظایر بر ترجمه‌های معاصر فارسی (با تأکید بر واژه فتنه)» نوشته محمدحسن رستمی و علی‌رضا حاجی‌آبادی، «معناشناسی واژه فتنه در قرآن و نقش اسمای الهی در آن» نوشته اعظم پرچم و زهره کیانی.
- در حال، از آنجاکه بررسی تمامی استدلال‌های مفسران در بیان وجوه معنایی فتنه در آیات پنجاه و هشت‌گانه در یک مقاله میسر نیست، مقاله حاضر درصدد است آیات مشتمل بر ماده فتنه در معنای کفر، شرک و ارتداد را بررسی و واکاوی کند. از این‌رو در این مقاله پس از بیان مفهوم لغوی فتنه و مشتقات آن در قرآن کریم و همچنین معنای لغوی و اصطلاحی شرک و کفر و ارتداد، استدلال‌های مفسران در آیات مربوطه، بر اساس اصل معنایی واژه فتنه، قراین داخلی و ناپیوسته آیات و همچنین روایات و اسباب نزول مرتبط نقد و بررسی می‌شود.

۲. مفاهیم

۲-۱. مفهوم‌شناسی واژه فتنه

بیشتر لغویان معتقدند که کلمه «فتنه» در کلام عرب بر ابتلا و اختبار دلالت می‌کند که اصل آن برگرفته از عباراتی نظیر «فتنت الذَّهَب (الفضَّه) إذا أدخلتها فی النار لتتمیز الرَّذیء من الجید» و عبارات مشابه است که به معنای احراق طلا یا نقره در آتش به قصد ابتلا و اختبار است، چنان‌که «الْفِتْن» را به معنای سوزاندن چیزی در آتش گرفته‌اند و آیه ۱۳ سوره ذاریات «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ» را شاهدی قرآنی بر معنای اولیه این ماده ذکر کرده‌اند (فراهیدی، بی‌تا، ۸: ۱۲۷، ابن درید، بی‌تا، ۱: ۴۰۶، ازهری، بی‌تا، ۲۱۱: ۱۴، ابن فارس، بی‌تا، ۴: ۴۲۷، راغب اصفهانی، بی‌تا، ۱: ۶۲۳، قیسومی، ۲: ۴۶۲، ابن منظور، بی‌تا، ۱۳: ۳۱۷، طریحی، ۱۳۷۵ش، ۶: ۲۹۱، زبیدی، بی‌تا، ۱۸: ۴۲۴). این واژه در تطور معنایی خود از معانی اولیه (احراق - ابتلا و اختبار) بر معانی دیگری چون عذاب، گمراهی، اعجاب از چیزی، کفر، اثم و... اطلاق شده‌است (ر.ک: راغب، همان، ۱: ۶۲۳، ابن سیده، بی‌تا، ۹: ۵۰۱). مصطفوی اصل واحد معنایی در ماده (ف ت ن) را آن چیزی دانسته که دارای دو صفت اختلال و اضطراب باشد که در صورت دارا بودن این دو صفت فتنه بر آن اطلاق می‌گردد و دارای مصادیقی چون اموال و اولاد، عذاب، کفر، جنون، ابتلا و غلو در امور و... است (مصطفوی، بی‌تا، ۹: ۲۳). او برخلاف اکثر لغویان که «الْفِتْن» را به معنای احراق دانسته‌اند، آن را به معنای ایجاد اختلال و اضطراب در نظم برشمرده‌است و بر این مبنا ایشان احراق را صرفاً یکی از مصادیق تعریف خود دانسته که دارای دو صفت اختلال و اضطراب است (همان). ولی از آنجاکه غالباً جعل واژگان در کلام عرب از معانی محسوس صورت گرفته و سپس در سیر معنایی بر معانی و مصادیق معقول اطلاق می‌گردد، تعریف مصطفوی را صرفاً می‌توان قابل‌حمل بر مصادیق نقل‌شده به‌وسیله لغویان و مفسران، نظیر: عذاب و کفر، اختلاف در امور و... دانست. علامه طباطبایی اصل معنایی فتنه را آزمایش و اختبار حال چیزی دانسته‌است که به همین دلیل بر امتحان و ابتلا، فتنه اطلاق می‌شود. همچنین دارای ملازمات غالبی نظیر شدت و عذاب و فشار است که به همین دلیل ضلالت و شرک، فتنه نامیده شده‌است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۶۱).

۲-۲. تبیین مفهوم کفر و شرک

«کُفْر» در اصل به معنای پوشانیدن است؛ بنابراین در لغت عرب به شب که موجب پوشانیدن اشخاص از دیده‌ها می‌شود و کشاورز که تخم را در زمین پنهان می‌سازد و شخصی که حق را

می‌پوشاند و قلبش از انکار حق پوشیده شده، کافر می‌گویند (فراهیدی، همان، ۵: ۳۵۶، ابن درید، همان، ۲: ۷۸۶، ازهری، همان، ۱۰: ۱۱۰، جوهری، همان، ۲: ۸۰۷، ابن فارس، همان، ۵: ۱۹۲، راغب، همان، ۱: ۷۱۴، ابن سیده، همان، ۷: ۴، فیومی، همان، ۲: ۵۵۳، ابن منظور، همان، ۵: ۱۴۴، فیروزآبادی، همان، ۲: ۳۱۶، طریحی، همان، ۳: ۴۷۵، زبیدی، همان، ۷: ۴۵۰) و در اصطلاح، کافر عبارت است از کسی که منکر الوهیت، توحید و رسالت پیامبر(ص) یا ضروریات دین است - با توجه و التفات به ضروری بودن آنها - به گونه‌ای که انکار وی به انکار رسالت بینجامد (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹: ۶۷/۱). می‌توان گفت: «کُفر» عبارت است از نداشتن ایمان تفصیلی به آنچه بدان باید ایمان آورد؛ مانند توحید و رسالت پیامبر(ص) و روز قیامت و یا نداشتن ایمان اجمالی به آنچه بایست بدان ایمان آورد؛ مانند ایمان به ضروریات مادامی که انکار آنها به انکار رسالت برگردد (سبحانی، ۱۳۸۵ش: ۴۹). اما «شِرک» در لغت به معنای همکاری و مشارکت (مخالطت) دو نفر و بیشتر در مال و... است و گفته می‌شود «شَرکُ الرَّجُلِ فِي مَالِهِ» (فراهیدی، همان، ۵: ۲۹۳، ابن درید، همان، ۲: ۷۳۲، راغب، همان، ۲: ۳۱۹). چنان‌که موسی (ع) از خدای متعال درخواست می‌کند که هارون را در امر رسالت شریک او سازد، آنگاه که می‌فرماید: «وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» (طه/۳۲)، و بر این مبنا لغویان «شِرک» را به معنای «شریک» نیز ذکر کرده‌اند (جوهری، همان، ۴: ۲، ابن سیده، همان، ۶: ۶۸۴، فیومی، همان، ۲: ۳۱۱). اما شرک در اصطلاح به معنای برای خدا هم‌تا قرار دادن است و خود انواع گوناگونی دارد: ۱) شرک در ذات؛ ۲) شرک در صفات ذاتی؛ ۳) شرک در صفات فعلی؛ ۴) شرک در عبادت؛ ۵) شرک در عمل (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ۵۹۱-۵۷۸). اعتقاد مشرکان بیشتر در محدوده شرک جلی (شرک در خالقیت، ربوبیت، الوهیت و عبادت) بوده است و آیات هفت‌گانه در این مقاله نیز ناظر به این نوع از شرک است.

۳-۲. تبیین مفهوم ارتداد

ارتداد مصدر باب افتعال ماده (ر د د) که به همراه اسم مصدر آن «الرَّذَّة» به معنای رجوع و بازگشتن انسان از چیزی یا راهی است که از آن آمده است (فراهیدی، همان، ۸: ۷، ابن درید، همان، ۱: ۱۱۰، جوهری، همان، ۲: ۴۷۳، راغب، همان، ۱: ۳۴۸، ابن منظور، همان، ۳: ۱۷۳، فیروزآبادی، همان، ۱: ۴۰۷). چنان‌که گفته می‌شود: «الرَّذَّةُ عَنِ الْإِسْلَامِ، ارْتَدَّ الرَّجُلُ عَنِ دِينِهِ» (ازهری، همان، ۱۴: ۴۶، زبیدی، ۴ همان: ۴۵۱)، و یا به شخصی که از اسلام به سوی کفر گراییده، مرتد گفته می‌شود (ابن فارس، ۲: ۳۸۶، طریحی، همان، ۳: ۴۹). علامه طباطبایی ارتداد را در اصطلاح اهل دین رجوع از ایمان به سوی

کفر دانسته‌اند حال چه ایمانش مسبوق به کفر دیگری باشد مانند کسی که کافر بوده و ایمان آورده، سپس دوباره کافر شده‌است و یا از ابتدا مؤمن بوده (مسلمان زاده باشد) و سپس کافر شود که به حالت اول ارتداد فطری و به حالت دوم ارتداد ملی گویند (طباطبایی، ۱۷: ۴۱۷، ۵: ۳۷۹).

۳. ارزیابی استدلال‌های مفسران در آیات فتنه

در آیات متعددی از قرآن کریم فتنه و مشتقات آن به شرک و کفر و یا ارتداد تفسیر شده‌است که در ذیل به بیان دیدگاه‌های تفسیری و استدلال‌های مفسران و نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۱-۳. آیه ۱۹۱ سوره بقره

اکثر مفسران فتنه را در آیه «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره / ۱۹۱) به معنای شرک و کفر دانسته‌اند، ولی استدلال‌های آنان متفاوت است. این استدلال‌ها همراه با ارزیابی و نقد عبارتند از:

۱. دلیل عقلی و محتوای آیات: برخی از مفسران با در نظر گرفتن محتوای آیات و مخاطب قرار گرفتن مسلمانان در رابطه با قتال با مشرکان، و اینکه کفر و شرک باعث هلاکت ابدی انسان می‌گردد، فتنه را به معنای کفر و شرک دانسته‌اند که همان ویژگی اهل مکه بوده‌است (طوسی، همان، ۲: ۱۴۶، طبرسی، همان، ۲: ۵۱۱). این مفسران ماجرای قتل یکی از کفار را به وسیله ابن‌حضرمی نیز ذکر کرده‌اند که به نظر می‌رسد داستان یادشده را شاهدی برای معنای مورد نظر دانسته‌اند، ولی برای آیه ۱۹۰ این سوره به داستان صلح حدیبیه نیز اشاره داشته و بیان کرده‌اند که هنگامی که پیامبر به همراه ۱۴۰۰ نفر از یارانش به سوی مکه برای انجام مراسم حج حرکت کردند، مشرکان قصد مقاتله با آن حضرت و مسلمانان را نمودند که بدین سبب آیه ۱۹۰ نازل شد (همان). از آنجاکه وحدت سیاق آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ ناشی از نزول یکباره آنهاست، نمی‌توان هر دو حادثه را سبب نزول دانست، هر چند با مفهوم آیات تناسب معنایی دارند.

۲. تناظر معنایی: فخر رازی علاوه بر وجوه یادشده، مفهوم فتنه را در آیه نظیر معنای آن در آیات ۱۴ ذاریات «ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ...» و ۱۰ سوره بروج «إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...» و به معنای عذاب دائمی کفار در آخرت به جرم کفر، ارتداد از دین، و آزار مؤمنان ذکر کرده‌است (فخر رازی، ۵: ۲۸۹). ولی با توجه به محتوای آیات ۱۹۵-۱۹۰ بقره نمی‌توان معنای فتنه را در آنها نظیر معنای فتنه در آیه‌های ۱۳ و ۱۴ ذاریات و ۱۰ بروج دانست، زیرا آیه‌های یادشده ناظر به عذاب کافران

در آخرت و یا شکنجه شدن مؤمنان به دست کافران در داستان اخذود است و با توجه به قراین آیه شریفه، نظیر اموری چون «اخراج از مسجدالحرام، امر به انجام دادن مقاتله و انجام ندادن آن در صورت دست برداشتن از فتنه و...» نمی توان فتنه را در آیه به معنای عذاب در نظر گرفت؛ همچنین نمی توان مراد از فتنه را ارتداد دانست، زیرا خطاب آیات به مسلمانان در برابر آزارهای مشرکان است و مفهوم و خطاب آیه، ناظر بر مسلمانانی نیست که مرتد می شوند، ولی درعین حال وجه آزار مؤمنان به دست کفار را می توان یکی از مصادیق معنایی فتنه در آیه در نظر گرفت. صادقی تهرانی با تفسیر آیه مذکور با آیه ۲۱۷ بقره مراد از فتنه را کفر و شرک دانسته است (صادقی تهرانی، همان، ۳: ۱۰۰) که از نظر محتوا و دلالت با آیه مربوطه مطابق است.

۳. ذکر مصادیق: برخی از مفسران مصادیقی را برای فتنه در آیه بیان کرده اند؛ زمخشری صدّ از مسجدالحرام را فتنه نامیده است (زمخشری، همان، ۱: ۲۳۶)، و ابوحنیفان هتک حرمت الهی و اخراج از وطن را فتنه نامیده (اندلسی، همان، ۲: ۲۴۴). ولی با توجه به اینکه در آیه ۱۹۱ و آیات پس از آن، مصادیق مذکور بیان شده و در کنار آنها فتنه شدیدتر از قتل وصف شده، با این بیان اگر مراد از فتنه را همان موارد (صدّ از مسجدالحرام و هتک حرمت و اخراج از وطن بدانیم) تحصیل حاصل است و به نظر می رسد با توجه به سیاق آیات شریفه و محتوای آیات و با در نظر گرفتن اصل معنایی فتنه، آیه شریفه درصدد بیان مفهوم مستقلى است که آن از نظر شدت و آسیبی که برای ابدیت انسان دارد، از آزارهایی چون اخراج از وطن و... شدیدتر است. البته موارد مذکور را می توان مصداق (و نه مراد) فتنه دانست.

۴. اصل معنایی و دلیل عقلی: طبری ضمن بیان اصل معنایی فتنه و دلالت آن در معنای ابتلا و اختبار، فتنه را در آیه به ابتلای انسان در دین که بر اثر آن به کفر برگردد، دانسته و به بیان نظر تفسیری مجاهد مبنی بر اینکه «ارتداد از قتل مضرتر است» اشاره کرده است (طبری، همان، ۲: ۱۱۱). در نظر گرفتن اصل معنایی فتنه در تفسیر آیه، امری صحیح است و اینکه ارتداد از دین از قتل زیان بارتر است، سخنی مورد پذیرش است؛ اما همان گونه که اشاره شد با توجه به محتوا، سیاق، و خطاب آیات نمی توان مراد از فتنه را ارتداد و ارجاع از دین دانست. علامه طباطبایی (ره) با توجه به دلالت فتنه بر معنای آزمایش و اختبار و همچنین با توجه به ملازم بودن این مفهوم با شدت و فشار و اطلاق فتنه بر ضلالت و شرک، مراد از فتنه را در این آیه شرک به خدا و کفر به رسول و آزار و اذیت مسلمین دانسته است؛ همان عملی که مشرکان مکه بعد از

هجرت و قبل از آن با مردم مسلمان داشتند. فتنه بدین معانی از کشتن بدتر است زیرا کشتن صرفاً محرومیت از زندگی دنیوی است اما فتنه مایه محرومیت از زندگی هر دو نشئه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲: ۶۱). بدین ترتیب با توجه به سیاق آیه شریفه و مقام آن، که در صدد بیان امر به جهاد در مقابله با مشرکان است و ضمن بهره‌گیری از اصل معنایی فتنه و کاربرد آن در شدت‌ها و فشار که شرک و کفر یکی از مصادیق آن شمرده می‌شود، همچنین به دلیل عقلی مبنی بر موجب هلاکت بودن شرک و کفر در هر دو نشئه، هر دوی این وجوه در بیان مراد از آیه صحیح است، هر چند می‌توان معنایی عام برای آن در نظر گرفت که شامل آزارها و محدودیت‌های ایجادشده به دست مشرکان، شرک و کفر، و مبارزه آنان با توحید باشد.

۲-۳. آیه ۱۹۳ سوره بقره

مفسران در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (بقره/۱۹۳) کلمه فتنه را به معنای شرک یا کفر دانسته‌اند که در این میان، برخی از مفسران فتنه را به هر دو معنی (شرک و کفر) دانسته و برخی دیگر از مفسران آن را صرفاً به معنای شرک دانسته‌اند. مفسران در ذیل آیه مورد بحث پیرامون معانی فتنه، به استدلال‌هایی استناد جسته‌اند که آنها را همراه با ارزیابی و نقد ذکر می‌کنیم.

۱. روایات تفسیری: طبری در بیان نظر تفسیری خود (فتنه به معنای کفر و شرک) به دیدگاه‌های مفسران تابعی استناد کرده‌است که از نظر ارزش تفسیری نمی‌توان به آنها استناد جست. از طرفی قرطبی در بیان وجه تفسیری علاوه بر استدلال به عبارت «وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» و در نظر گرفتن معنای کفر برای فتنه در آیه، روایتی از رسول خدا (ص) را نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله» (قرطبی، همان، ۲: ۳۵۳). این روایت از نظر محتوایی می‌تواند ناظر به قتال پیامبر (ص) و امر خدای متعال در جهت نابودی شرک و بت‌پرستی باشد نه همه مردم؛ چنان‌که آیات ابتدایی سوره توبه به این معنا دلالت دارد، ولی در برابر اهل کتاب، پیامبر موظف بودند که به اخذ جزیه از آنان اکتفا نمایند؛ چنان‌که آیه ۲۹ سوره توبه بدان اشاره می‌کند. با توجه به این توضیحات در صورت صحیح بودن روایت، هریک از معانی کفر و شرک می‌تواند مراد باشد، هر چند وجه شرک با قراین موجود در آیه وجه مناسب‌تری است، اما در تفسیر این آیه برخی مفسران، روایتی به نقل از صادقین (ع) نقل

کرده‌اند که ایشان در این آیه فتنه را به شرک تفسیر فرموده‌اند (طوسی، همان، ۲: ۱۴۷، طبرسی، همان، ۲: ۵۱۳). دره‌رحال روایت مذکور اشاره به تأویل آیه شریفه و تحقق عملی ریشه‌کن شدن شرک در زمین دارد ولی حضرت در کنار بیان تأویل و بطن آیه، فتنه در آن را به شرک تفسیر نموده‌اند که با توجه به درستی سند، روایت مذکور می‌تواند معنای فتنه در آیه را روشن سازد. ۲. قرینه پیوسته لفظی: برخی از مفسران بر مبنای قرینه پیوسته لفظی (ویکون الدین لله)، فتنه را به معنای شرک (فخر رازی، ۵: ۲۹۲، آلوسی، همان، ۱: ۴۷۲، طباطبایی، همان، ۲: ۶۷) دانسته‌اند، در حالی که قرطبی بر مبنای عبارت مذکور فتنه را به معنای کفر دانسته‌است (قرطبی، همان، ۲: ۳۵۴). ولی با توجه به این عبارت و مفهوم آن (اختصاص و انحصار دین برای خدا) در نظر گرفتن معنای شرک برای فتنه ارتباط مفهومی بیشتری نسبت به کفر دارد.

۳. تفسیر آیه به آیه (قرینه ناپیوسته): برخی از مفسران علاوه بر استدلال به عبارت «ویکون الدین لله»، به آیات دیگری نیز استدلال نموده‌اند. آلوسی این آیه شریفه را نظیر آیه ۱۶ سوره فتح، «تُفَاتِلُوهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ»، شمرده و بر این مبنای فتنه را به معنای شرک در نظر گرفته‌است (آلوسی، همان، ۱: ۴۷۲). آیه ۱۶ سوره فتح به مسلمانان دستور می‌دهد که با مشرکان قتال کنند تا یا مسلمان شوند و یا کشته شوند و از آنجاکه حکم آیه مذکور مخصوص مشرکان است (و درباره لزوم پرداخت جزیه برای اهل کتابی است که مسلمان نشده‌اند)، استدلال به این آیه به عنوان قرینه خارجی به همراه قرینه پیوسته «ویکون الدین لله» صحیح است. علامه طباطبایی نیز بر مبنای عبارت «ویکون الدین لله» در آیه اشاره می‌کند و اینکه این آیه و عبارت مذکور نظیر معنایی آیه ۳۹ سوره انفال «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» با معنای اصطلاحی شرک سازگاری دارد.

۴. قواعد نحوی: ابوحنیفان / اندلسی با استناد به بازگشت ضمیر مفعولی در عبارت «وَوَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» به اهل مکه، فتنه را به معنای شرک و توابع ناشی از آن مانند آزار مسلمانان به دست کفار دانسته‌است (اندلسی، همان، ۲: ۲۴۶). می‌توان گفت بر اساس استدلال ایشان سیاق آیات و همچنین فضای نزول (به عنوان قرینه پیوسته غیرلفظی) که درباره امر به قتال با مشرکان اهل مکه است، نشان می‌دهد نزول آیه یادشده در مدینه است که استدلالی صحیح است. صادقی تهرانی علاوه بر استدلال به قرینه پیوسته «ویکون الدین لله» و در نظر گرفتن نظیر معنایی آیه ۳۹ سوره انفال، نکره آمدن کلمه «فتنه» در آیه و افاده استغراق از آن را دلیلی برای معنای مورد نظر خود (فتنه در دین) ذکر کرده‌اند. هرچند این استدلال منافاتی با قراین موجود

در آیه و محتوا و موضوع آن ندارد، ولی قول شرک که به قراین پیوسته داخلی و خارجی مبتنی است بر عام معنا کردن آن ترجیح دارد. بنابراین با توجه به دیدگاه‌های مفسران پیرامون آیه ۱۹۳ سوره بقره و صدور روایتی معتبر و سند منقول از امام صادق (ع) و قراین موجود در آیه ضمن در نظر گرفتن تعاریف اصطلاحی بیان شده درباره کفر و شرک، وجه شرک بر وجوه دیگر مطرح شده ارجحیت دارد.

۳-۳. آیه ۲۱۷ سوره بقره

مفسران درباره معنای فتنه در آیه «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره/۲۱۷)، دیدگاه‌های مشابهی را ابراز نموده‌اند. برخی در تبیین معنای آیه شریفه از سبب نزول آن و داستان سریه عبدالله بن جحش بهره گرفته‌اند (طبری، همان، ۲: ۲۰۲، طوسی، همان، ۲: ۲۰۷، طبرسی، همان، ۲: ۵۵۱، زمخشری همان، ۱: ۲۵۹). بر این مبنا طبری فتنه را به معنای شرک دانسته‌است (طبری، همان، ۲: ۲۰۲) و برخی دیگر آن را به معنای کفر ذکر کرده‌اند (طوسی همان، ۲: ۲۰۷، طبرسی، همان، ۲: ۵۵۲). در هر حال مفسران در تبیین مراد از واژه «فتنه» در این آیه موارد زیر را مطرح نموده‌اند که همراه با نقد ذکر می‌گردد:

۱. سبب نزول آیه: برخی از مفسران در تبیین معنای فتنه در این آیه به سبب نزول آن استناد کرده‌اند. رسول خدا (ص) پیش از جنگ بدر، سپاهی را به فرماندهی پسرعمه‌اش عبدالله بن جحش به نخله (زمینی بین طائف و مکه) فرستاد و مسلمانان در آنجا به کاروان تجاری کفار قریش که عمرو بن الحضرمی در آن بود برخورد کردند و چون آخر ماه جمادی‌الثانی بود و برخی از مسلمان گمان کردند که اول ماه رجب از ماهای حرام است، در نتیجه درباره جنگ با مشرکان با هم به مشاجره برخاستند. برخی گفتند اگر امروز از آنها دست برداریم، وارد حرم (مکه) خواهند شد و نمی‌توان با آنها جنگید و بالاخره به کاروان حمله کردند و ابن الحضرمی را کشتند و کاروان را به غنیمت گرفتند و این اولین درگیری بین مسلمانان و کفار قریش بود و بر اثر این حادثه برخی از کفار قریش نزد پیامبر (ص) آمدند و از ایشان درباره حرمت قتال در ماه‌های حرام سؤال کردند که بدین سبب آیه ۲۱۷ بقره نازل شد (ر.ک: طبری، همان، ۲: ۲۰۳-۲۰۲، طبرسی، همان، ۲: ۵۵۱). سبب نزول یادشده با مفاد آیه شریفه تناسب دارد، اما به‌درستی نمی‌توان مراد از واژه فتنه به‌وسیله آن را تشخیص داد، مگر آنکه قراین دیگر موجود در آیه و قراین ناپیوسته (اعم از آیات و روایات) مورد توجه قرار گیرد.

۲. قواعد ادبیات عرب: فخر رازی مراد از فتنه را آنچه دانسته که باعث دست برداشتن از دین می‌شود؛ نظیر القای شبهات، تعدیب، امتحان افراد به سبب دین، و به نقل از زجاج اعتبار قول افرادی را که این واژه را به معنای کفر دانسته‌اند به سبب ایجاد تکرار در آیه ضعیف دانسته‌است (فخر رازی، همان، ۶: ۳۹۱). این بیان را می‌توان نزدیک به نظر علامه طباطبایی دانست که ایشان فتنه در آیه را به معنای آزار و اذیت و دعوت به کفر دانسته‌است (طباطبایی، همان، ۲: ۱۶۷). می‌توان گفت معنایی که این مفسران ذکر کرده‌اند مبتنی بر محتوا، سیاق کلمات، و جملات به‌کاررفته در آیه است؛ بدین معنی که برای بیان حرمت قتل در ماه حرام به توصیف کارهای مشرکان مکه نظیر «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرَ بِهِ» و «إِخْرَاجُ أَهْلِهِ» پرداخته شده و در این میان فتنه شدیدتر از قتل توصیف شده و پس از آن به توییح افرادی که به ارتداد گرایش پیدا می‌کنند، پرداخته و همه این موارد به عنوان قراین، معنای موردنظر علامه و فخر رازی را که برگرفته از سیاق کلمات و جمله‌هاست، افاده می‌کنند.

۳. بلاغت: آلوسی قاعده بلاغی تذییل در عبارت «الفتنه اشد من القتل» را دلیلی برای معنای موردنظر خود (آزار و اذیت مسلمانان و دعوت به کفر) دانسته (آلوسی، همان، ۱: ۵۰۴) و مراد آلوسی این است که عبارت مذکور تأکید برای جملات ماقبل نظیر اخراج از مسجدالحرام و مکه و... است و نتیجه گرفته که فتنه نیز از قبیل همان کارهایی است که مشرکان انجام داده‌اند و بر این مبنا فتنه را به معنای آزار و اذیت و دعوت به کفر دانسته‌است. در مجموع می‌توان گفت، با توجه به اینکه آیه یادشده در مقام بیان آزارهای مشرکان نسبت به مسلمانان در جهت بازگرداندن آنان به کفر و شرک است و از طرفی به افرادی که به کفر و ارتداد بازگردند وعده عذاب می‌دهد و همچنین با درنظرگرفتن سبب نزول به عنوان مؤید تفسیری، می‌توان معنایی جامع از فتنه در آیه را در نظر گرفت که جامع تمام فعالیت‌های مشرکان باشد. این معنا آزارها و اذیت برای بازگرداندن به کفر و دعوت به آن است که شدیدتر از قتل توصیف می‌شود، زیرا این‌گونه آزارها برای بازگرداندن به کفر است که به تبع آن انسان را به هلاکت ابدی سوق می‌دهد و به همین دلیل از قتل که صرفاً باعث هلاکت دنیوی می‌شود، شدیدتر است. معنای مذکور با درنظرگرفتن قراین موجود در آیه و تاریخ صدر اسلام، معنایی سازگار با ظاهر آیه شریفه است ولی سایر وجوه که برخی از مفسران بیان کرده‌اند می‌تواند مصداقی برای فتنه‌گری‌های مشرکان باشد.

۴-۳. آیه ۹۱ سوره نساء

در آیه «كُلَّمَا رُزُّوا إِلَى الْقِتْنَةِ أَكْسُوا فِيهَا» (نساء / ۹۱)، طبری ضمن بیان روایات تفسیری افرادی چون ابوالعالیه، قتاده، سدی و ذکر سبب نزول این آیه درباره منافقان یا نعیم بن مسعود الاشجعی که با کفار رابطه داشتند، مراد از فتنه را شرک دانسته است (طبری، همان، ۵: ۱۲۷). برخی دیگر نیز مراد از فتنه را کفر و شرک (طوسی، همان، ۳: ۲۸۸، طبرسی، همان، ۳: ۱۳۷، قرطبی، همان، ۵: ۳۱۱، آلوسی، همان، ۳: ۱۰۷)، و برخی دیگر فتنه را به معنای قتال دانسته‌اند (زمخشری، همان، ۱: ۵۴۸، فخر رازی همان، ۱۰: ۱۳۷، صادقی طهرانی، همان، ۷: ۲۳۳). می‌توان استدلال‌های مفسران پیرامون این آیه را در موارد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. استناد به دیدگاه‌های مفسران تابعی: طبری ضمن بیان سبب نزول آیه شریفه (برخی از منافقین اهل مکه به پیامبر ایمان آورده بودند، برای آنکه اموال آنها از جانب مسلمانان در امان باشد، ولی در برخورد با مشرکان اظهار شرک و کفر می‌نمودند)، مبنایی برای تفسیر فتنه به شرک در نظر گرفته و به دیدگاه‌های تفسیری افرادی چون ابوالعالیه، قتاده و سدی نیز استناد کرده است (طبری، همان، ۵: ۱۲۷)؛ در صورتی که این سبب نزول نمی‌تواند دلالت بر انحصار معنای شرک برای فتنه داشته باشد و از طرفی استناد به دیدگاه‌های تفسیری مفسران صحابه و تابعی در تفسیر، حجیت مطلق ندارد و نمی‌تواند مبنایی برای تفسیر آیات شمرده شود، هرچند برای آگاهی به معنای احتمالی آیات و تبیین آن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۲. اصل معنایی: شیخ طوسی و علامه طبرسی ضمن استناد به اصل معنایی فتنه (اختبار) و در نظر گرفتن ظاهر آیه شریفه و در کنار آن بیان قرینه پیوسته غیرلفظی (سبب نزول یادشده) مراد از فتنه را شرک و کفر دانسته‌اند (طوسی، همان، ۳: ۲۸۸، طبرسی همان، ۳: ۱۳۷).

۳. بیان مصداق: زمخشری و فخر رازی و صادقی تهرانی بدون استدلال صریح، فتنه را به معنای قتال در نظر گرفته‌اند (زمخشری، همان، ۱/ ۵۴۸، فخر رازی، همان، ۱۰: ۱۳۷، صادقی طهرانی، همان، ۷: ۲۳۳)؛ بدین معنی که هنگامی که افراد یادشده فرصت بیابند به قتال با مسلمانان و جنگ می‌پردازند و مشرکین را یاری می‌رسانند. اما این وجه را نمی‌توان صحیح دانست زیرا قرینه «يُرِيدُونَ أَنْ يُكْفَرُوا بِمَا كَفَرُوا وَ يُكْفَرُوا بِمَا كَفَرُوا وَ يُكْفَرُوا بِمَا كَفَرُوا وَ يُكْفَرُوا بِمَا كَفَرُوا» در آیه با وجه مذکور ناسازگار است و وجه شرک و یا کفر با سبب نزول و محتوای آیه تطابق بیشتری دارد. ولی می‌توان آن را به عنوان مصداق از فتنه به شمار آورد؛ بنابراین با توجه به سبب نزول یادشده و قراین موجود در آیه، وجه قتال، که برخی

از مفسران آن را بیان کرده‌اند، با ظاهر و سیاق آیه سازگار نیست و معانی شرک و کفر با در نظر گرفتن محتوا و سیاق و سبب نزول یادشده (به‌عنوان قرینه پیوسته غیرلفظی) به مراد از واژه فتنه نزدیک‌تر است.

۵-۳. آیه ۳۹ سوره انفال

برخی از مفسران با استناد به دیدگاه‌ها و روایات تفسیری، مراد از فتنه را در آیه «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ» (انفال / ۳۹) شرک (طبری، همان، ۹: ۱۶۹، آلوسی، همان، ۵: ۱۹۴) و برخی مراد از آن را کفر دانسته‌اند (طوسی، همان، ۵: ۱۲۱، طبرسی، همان، ۴: ۸۳۴، قرطبی، همان، ۷: ۴۰۴، ابوحیان اندلسی، همان، ۵: ۳۱۹). برخی نیز ضمن اشاره به معنای لغوی و رفتار مشرکان در صدر اسلام، مراد از آن را آزار و تعذیب مسلمانان‌ها به دست کفار برای بازگشت به کفر دانسته‌اند (فخر رازی، همان، ۱۵: ۴۸۳، رشید رضا، ۹: ۵۵۳-۵۵۲، طباطبایی، همان، ۹: ۷۶). برخی نیز به‌طور کلی مراد از آن را فتنه دینی معرفی کرده‌اند (فضل‌الله، همان، ۱۰: ۳۸۱، صادقی طهرانی، همان، ۱۲: ۲۱۱). در هر حال، استدلال‌های مفسران پیرامون معنای فتنه مبتنی بر موارد زیر است:

۱. روایات تفسیری، طبری، و آلوسی دیدگاه‌های تفسیری افرادی چون ابن عباس، حسن بصری، قتاده و سلّی را شاهی بر معنای مورد اشاره خود (فتنه به معنای شرک) دانسته‌اند (طبری، همان، ۹: ۱۶۹، آلوسی، همان، ۵: ۱۹۴). آلوسی علاوه بر این دیدگاه‌ها، روایتی به نقل از امام صادق (ع) نقل کرده بدین معنا که تأویل آیه شریفه و تحقق اصلی ریشه‌کن شدن شرک از روی زمین در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) رخ خواهد داد (آلوسی، همان). این روایت که در ضمن بررسی آیه ۱۹۳ بقره به آن اشاره گردید به همراه قراین دیگر موجود در آیه می‌تواند مؤیدی برای در نظر گرفتن معنای شرک در این آیه باشد.

۲. لغت و تاریخ: برخی از مفسران ضمن بیان معنای لغوی فتنه به بیان تاریخ صدر اسلام و آزار دادن مسلمانان به دست کافران پرداخته‌اند و مراد از فتنه را آزارها و تعذیب‌هایی دانسته‌اند که کفار با آنها قصد داشتند مسلمانان را از اسلام به کفر برگردانند (فخر رازی، همان، ۱۵: ۴۸۳، رشید رضا، ۱۹۹۰ م: ۹/۵۵۳-۵۵۲، طباطبایی، همان، ۹: ۷۶-۷۵). در این بین رشید رضا وجه فتنه به معنای شرک را نپذیرفته، زیرا به نظر او صلح حدیبیه که قرآن آن را فتح مبین نامیده و آزادی

سماع و تخلیط مؤمنان و مشرکان، قول شرک را نفی می‌کند (رشید رضا، همان، ۹: ۵۵۳-۵۵۲). استدلال رشید رضا را به دلایل زیر نمی‌توان پذیرفت:

صلح حدیبیه و آزادی سماع و تخلیط مؤمنان که در آیه ۶ سوره توبه بیان شده منافاتی با قتال با مشرکان ندارد، زیرا صلح حدیبیه در سال ششم هجری که آیات سوره مبارکه فتح درباره آن نازل شده، در شرایطی صورت گرفت که مسلمانان در ضعف بودند و پیامبر (ص) بنابر مصالحی و برای گسترش اسلام و تقویت مسلمانان این صلح را پذیرفتند. اما در سوره توبه که در سال نهم هجری نازل شده به صراحت به مشرکان مهلت داده شده که چهار ماه فرصت دارند دست از شرک و بت پرستی بردارند و در غیر این صورت خود را آماده قتال کنند، اما آیه ۶ سوره توبه «وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتِحْزَاكَ فَأَجْزُهُ...» ناظر به مشرکانی است که قصد دارند کلام الهی و عقاید و اصول را بیاموزند و در این مدت آموختن و بازگشت به خانه در امانند، نه اینکه این امان همیشگی باشد، چنان‌که علامه طباطبایی این آیه را تخصیص آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» دانسته که مقید به «حَبَّتِي يَسْمَعُ كَلَامَ اللَّهِ» شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۹: ۱۵۵). بنابراین استدلال رشید رضا را نمی‌توان پذیرفت ولی معنایی که او برای فتنه در نظر گرفته (آزارها و تعذیب مسلمانان برای بازگشت به کفر) با قراین تاریخی و اصل معنایی فتنه سازگار است؛ چنان‌که علامه طباطبایی معنای فتنه را در آیه «آنچه نفوس با آن امتحان می‌شوند» و «چیزی که بر نفوس گران آید» دانسته و به همین دلیل فتنه در جنگ‌ها و ناامنی‌ها و انقضای پیمان‌ها به کار می‌رود و به دلیل آزارهایی که از ناحیه کفار مکه به سبب دین بر مؤمنان وارد می‌شده، مراد از فتنه را شکنجه کردن مؤمنان در مکه و اجبار به برگشت به کفر معنا کرده‌اند (طباطبایی، همان، ۹: ۷۵). در مجموع می‌توان گفت با توجه به کاربرد معنایی فتنه که به‌طور کلی در ابتلائات که با شدت و فشار همراه است و در نظر گرفتن قراینی چون تاریخ صدر اسلام و آزارهای مشرکان، قول فتنه در آیه به معنای ایداء مشرکان برای برگرداندن مسلمانان به کفر، مخالفتی با ظاهر آیه ندارد، ولی باین حال با توجه به سیاق آیه و قرینه «يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» و در نظر گرفتن آیه ۱۹۳ بقره (به عنوان قرینه ناپیوسته و نظیر معنایی)، قول فتنه به معنای شرک صحیح‌تر از اقوال دیگر به نظر می‌رسد. در برخی از آیات نیز وجه شرک یا کفر یکی از وجوه غالب تفسیری به شمار می‌آید که در کنار سایر وجوه ذکر شده است.

۳-۶. آیه ۲۳ سوره انعام

زمخشری فتنه را در آیه «ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام/۲۳) به معنای کفر دانسته است (زمخشری، همان، ۲: ۱۲). برخی نیز با استناد به روایات تفسیری از امام صادق (ع) و ابن عباس و قتاده، یکی از وجوه فتنه در آیه را به معنای عذر مشرکان در قیامت دانسته‌اند (طبرسی، همان، ۴: ۴۴۰، آلوسی، همان، ۴: ۱۱۷). اما پیرامون استدلال‌های مفسران درباره معنای فتنه در آیه می‌توان گفت، برخی از مفسران برای وجه معنایی فتنه در عبارت «فتنتهم» به نظر زجاج استناد کرده‌اند. زجاج می‌گوید: این آیه دارای معنای لطیفی است که کسانی آن را می‌فهمند که به رموز کلام آشنا باشند. خداوند متعال در این آیات، گفت‌وگوهایی را که میان پیامبر و مشرکان ردوبدل شده بود و شیفتگی و دل بستگی ایشان را نسبت به شرک بیان کرده است. بدیهی است که این شیفتگی و دل بستگی سرانجام خوشی ندارد و عاقبت کار، آنها به خود می‌آیند و به بیهودگی رفتار خود و بی‌ارزشی بت‌ها پی می‌برند و از آنها تبری می‌جویند، و چنان‌که گویند: «ما كانت محبتك لفلان، إلا أن فررت منه وتركه»، هرگاه انسانی شخص گمراهی را دوست بدارد، همین‌که آن شخص دچار هلاکت و بدبختی شد، از او نفرت پیدا می‌کند. آنگاه به او می‌گویند که دوستی تو نسبت به آن شخص، به خاطر این بود که شیفته و دل بسته او شده بودی. پس فتنه در اینجا به معنای شرک و شیفتگی به بت‌هاست (طبرسی، همان، ۴: ۴۴۰، فخر رازی، همان، ۱۲: ۵۰۲). مفسران قول زجاج را مؤید قول ابن عباس که فتنه را به شرک در دنیا تفسیر کرده است دانسته‌اند (همان). از طرفی طبرسی روایتی تفسیری از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت عبارت مذکور را به معنای «معذرت» دانسته‌اند (طبرسی، همان، ۴: ۴۴۰)، ولی روایت مذکور که بدون سند نقل شده، در هیچ‌یک از منابع روایی نیامده است و نمی‌توان به وسیله آن مراد از عبارت مذکور را تشخیص داد. نظر تفسیری ابن عباس نیز حجیتی ندارد و تنها در تبیین معنای آیه می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

از طرفی برخی مفسران یکی دیگر از وجوه معنایی فتنه را در آیه «پاسخ و اختصار» دانسته‌اند؛ بدین معنی که پاسخ مشرکان به سؤال در آیه این است که ما مشرک نبودیم (ر.ک: طبرسی، همان، ۴: ۱۴۴، طباطبایی، همان، ۷: ۴۹ و...). به نظر می‌رسد این دلیل مبتنی بر معنای اولیه فتنه (اختیار و ابتلا) باشد و این مفسران بر اساس اصل معنایی، این عبارت را تفسیر کرده‌اند. در صورتی که عبارت «فتنتهم» به معنای معذرت و یا اختصار (پاسخ) مراد باشد، کلمه‌ای در تقدیر

قرار نمی‌گیرد ولی در صورتی که آن را به معنای شرک و شیفتگی به بت‌ها بدانیم باید کلمه «عاقبت» را در تقدیر بگیریم. علامه هیچ‌یک از این وجوه را بر دیگری ترجیح نداده (طباطبایی، همان، ۷: ۴۹) و از آنجاکه در تفسیر آیات، اصل بر نگرفتن تقدیر است - مادامی که در فهم آیه اشکال پیش نیاید - وجوه (پاسخ و معذرت) با سیاق آیه تطابق بیشتری دارد؛ هرچند معنای شرک و شیفتگی نیز معنایی صحیح است. برخی از مفسران بلیه و عذاب را به عنوان وجه معنایی مطرح کرده‌اند که با سیاق آیه ناسازگار است. بنابراین از میان وجوه معنایی که مفسران در بیان مراد از عبارت (فتنهم) بیان داشته‌اند وجوه معنایی اختیاری (پاسخ) و معذرت با سیاق آیه شریفه و مقام آن که پرسش و پاسخ در قیامت را به تصویر می‌کشد سازگاری بیشتری دارد و وجه شرک مستلزم به تقدیر گرفتن کلمه «عاقبه» است ولی وجوه بلیه و عذاب با سیاق آیه سازگار نیستند، هرچند این وجوه در برخی از آیاتی که واژه فتنه در آنها آمده (مانند ذاریات/ ۱۳ و ۱۴) به کار رفته است.

۷-۳. آیه ۱۴ سوره احزاب

برخی از مفسران با استناد به آیه ۱۹۱ بقره و یا قرینه مقام فتنه را در آیه «وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْطَارِهِمْ سُلُوْلُ الْفِتْنَةِ لَأَنفَكُوا وَمَا تَلَبَّوْا بِهَا إِلَّا سِيْرًا» (احزاب/ ۱۴) به معنای ارتداد و بازگشت از دین دانسته‌اند (طبری، همان، ۲۱: ۸۷، طباطبایی، همان، ۱۷: ۲۸۷). برخی دیگر مراد از آیه را علاوه بر ارتداد، مقاتله و جنگ با مسلمانان دانسته‌اند (زمخشری، همان، ۳۰: ۵۲۸، فضل الله، همان، ۱۸: ۲۷۷، صادقی تهرانی، همان، ۲۴: ۶۶). شیخ طوسی مراد از فتنه را کفر و گمراهی (طوسی، همان، ۸: ۳۲۳) و طبرسی مراد از آن را شرک (طبرسی، همان، ۸: ۵۴۵) و فخر رازی، کفر و ماندن در بیوت (نرفتن به جهاد) بیان کرده است (فخر رازی، همان، ۲۵: ۱۶۱). برخی از مفسران با استناد به دیدگاه‌های مفسران تابعی، مراد از فتنه را مقاتله با مسلمانان و شرک بیان کرده‌اند (قرطبی، همان، ۱۴: ۱۵۰-۱۴۹، آلوسی، همان، ۱۵۹-۱۵۸)، در حالی که ابوحنیفان ضمن بیان دیدگاه‌های تفسیری تقریباً تمامی این وجوه ارتداد و اظهار کفر و مقاتله با مسلمانان را مراد از فتنه بیان کرده است (اندلسی، همان، ۸: ۴۶۱). در هر حال، استدلال‌های مفسران در ذیل آیه را همراه با نقد آن به صورت زیر می‌توان سامان داد:

۱. نظیر معنایی (قرینه ناپیوسته): طبری با استدلال به آیه شریفه ۱۹۱ سوره بقره مراد از فتنه را رجوع از ایمان به شرک (ارتداد) بیان کرده است (طبری، همان، ۲۱: ۸۷). بر مبنای تعریفی که از

کفر و ارتداد ارائه شد، استدلال طبری به آیه ۱۹۱ بقره صحیح نیست، زیرا در آیه ۱۹۱ بقره مراد از فتنه شرک و یا کفر بوده که ناظر بر عقیده مشرکان اهل مکه است، درحالی که این آیه (۱۴ احزاب) ناظر بر افرادی است که ایمان آورده‌اند و سپس مرتد شده‌اند و به کفر گراییده‌اند و واضح است که کفر با ارتداد ملی دو تعریف دارند، هرچند که نتیجه آن دو یکسان است، ولی این استدلال صحیح نیست.

۲. استناد به اقوال تفسیری: طبری با استناد به نظر تفسیری ابن عباس مراد از فتنه را شرک دانسته است (طبری، همان، ۸: ۵۴۵). قرطبی و آلوسی با استناد به دیدگاه‌های ضحاک (حسن بصری و مجاهد)، مراد از فتنه را جنگ و شرک بیان کرده‌اند (قرطبی، همان، ۱۴: ۱۵۰-۱۴۹، آلوسی، همان، ۱۵۹-۱۵۸). ابوحنیفه ضمن بیان دیدگاه‌های تفسیری فوق، مراد از فتنه را ارتداد و رجوع از ایمان به کفر و مقاتله با مسلمین دانسته است (اندلسی، همان، ۸: ۴۶۱). همان‌گونه که در ذیل آیات قبل توضیح داده شد، اقوال و دیدگاه‌های تفسیری صحابه و تابعین، مادامی که به معصوم متصل و مستند نگردد، نمی‌تواند مبنای تفسیر قرار گیرد، ولی می‌تواند مؤید و مبین در تفسیر آیات به شمار رود.

۳. مقام آیه: علامه طباطبایی به دلیل مقام آیه مراد از فتنه را ارتداد دانسته است (طباطبایی، همان، ۱۶: ۲۸۷). به نظر می‌رسد مراد ایشان از مقام آیه، همانا مقام مذمت منافقان باشد که در دین ثبات و پایداری ندارند و هنگامی که با سپاهیان مشرکان روبه‌رو شوند و آنان از ایشان بخواهند که تغییر دین دهند و به شرک بازگردند این امر را می‌پذیرند.

۴. سیاق پیوسته: فخر رازی دو معنای محتمل را برای فتنه بیان کرده؛ اول: کفر، دوم: ماندن در بیوت (جنگ نرفتن) و معنای دوم را به دلیل مفهوم آیه ۱۳ در درخواست برای ماندن در خانه، مستند به عبارت «وما تلبثوا بها» به صورت محتمل مطرح نموده است (فخر رازی، همان، ۲۵: ۱۶۱). سیاق آیه شریفه معنای دوم را نفی می‌کند اما معنای اول (کفر) با توجه به اینکه محتوای آیه شریفه که مربوط به منافقان و بی‌ثباتی در دین‌داری آنان است، با ظاهر آیه و سیاق آن مخالفتی ندارد، ولی قول ارتداد به مراد نزدیک‌تر است. در مجموع با توجه به سیاق آیه شریفه و موضوع آن، که حالات منافقان و ناپایداری آنان در دین را بیان می‌کند و همچنین مقام آیه، که به مذمت این گروه می‌پردازد، وجه معنایی ارتداد و بازگشت به کفر نظری صحیح است.

۴. نتیجه گیری

بر اساس بررسی انجام گرفته و در نظر گرفتن بن‌مایه‌های استدلال‌ها و دیدگاه‌های مفسران و نقد و ارزیابی آنها می‌توان گفت آیات هفت‌گانه مورد بحث در معانی متفاوتی کاربرد دارند، به این صورت که:

۱. واژه فتنه در دو آیه (۱۹۱ سوره بقره و ۹۱ سوره نساء) با توجه به سیاق و محتوای آنها و اسباب نزول مطرح شده، در معنای شرک و کفر به صورت توأمان به کار رفته است.
۲. در دو آیه (۱۹۳ سوره بقره و ۳۹ سوره انفال) وجه معنایی شرک با توجه به قرینه پیوسته مشترک در هر دو آیه و صدور روایتی از امام باقر (ع)، ضمن در نظر گرفتن قواعد نحوی و بلاغی و دیگر آیات قرآن (به عنوان نظایر معنایی)، نسبت به وجوه دیگر تطابق بیشتری با سیاق آیه دارد.
۳. در آیه ۲۱۷ سوره بقره، ضمن در نظر گرفتن قراین متعدد موجود در آیه و تاریخ صدر اسلام و قواعد بلاغی نظیر قاعده تزییل و اسباب نزول مطرح شده (به عنوان مؤید تفسیری)، فتنه به معنای آزار و اذیت در جهت بازگرداندن به کفر به کار رفته است.
۴. واژه فتنه در آیه ۲۳ انعام بر سه وجه معنایی محتمل (پاسخ، معذرت، شرک و کفر) به صورت برابر دلالت دارد، هر چند وجه معنایی اول و دوم با توجه به مقام آیه (بیان حالات منافقان در قیامت)، توافق بیشتری با سیاق و ظاهر آیه شریفه دارد.
۵. در آیه ۱۴ سوره احزاب با توجه به مقام آیه شریفه در بیان حالات منافقان در بی‌ثباتی در دین، کاربرد واژه فتنه در وجه معنایی ارتداد، نسبت به وجوه دیگر ارجحیت دارد.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن الجوزی، جمال الدین ابی الفرج عبدالرحمن الجوزی (۱۴۰۷ق)، *نزهة الأعين التواظر في علم وجوه و التظائر*، تحقیق محمد عبدالکریم کاظم، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن درید، محمد بن حسن (بی‌تا)، *جمهره اللغة*، اول، بیروت: دارالعلم الملايين.

ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی‌تا)، *الحکم و اخیط الأعظم*، تحقیق: عبدالحمید هندادی، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد بن فارس (بی‌تا)، *معجم مقایس اللغة*، تحقیق: محمد عبدالسلام هارون، اول، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.

تبیین معنای «فتنه» در آیات مشتمل بر ماده فتنه... کاوس روحی برندق، علی بیدرسخی

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۱ق)، تأویل مشکل القرآن، شرح: سید احمد صقر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، سوم، بیروت: دار صادر.

زهري، محمد بن احمد (بی تا)، تهذيب اللغة، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر الخیط فی التفسیر، تحقیق: محمد جمیل صدقی، هشتم، بیروت: دار الفکر.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: عبدالباری، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم (۱۳۷۱ش)، وجوه القرآن، تحقیق: دکتر مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱ش)، تفسیر موضوعی قرآن (۲) توحید در قرآن، چاپ ششم، قم: اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، اول، بیروت: دارالعلم الملايين.

حزری نیشابوری، اسماعیل بن احمد (۱۴۲۲ق)، وجوه القرآن، اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.

دامغانی، حسین بن محمد (۱۹۹۲م)، الوجوه و النظائر لألفاظ كتاب الله العزيز، قاهره: لجنة احیاء التراث الإسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات ألفاظ القرآن، اول، بیروت: دار القلم.

رشید رضا، محمد رشید بن علی الرضا (۱۱۹۰م)، تفسیر المنار، بی جا: هیئة المصریة العامة للكتاب.

زبیدی، مرتضی (محمد بن محمد)، (بی تا)، تاج العروس، تحقیق: علی شیری، اول، بیروت: دارالفکر.

زنجشیری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، سوم، بیروت: دارالکتب العربی.

سیحانی، جعفر، الإیمان و الکفر فی الكتاب و السنه (۱۳۸۵ش)، دوم، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن، دوم، قم: فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران: ناصرخسرو.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت: دارالمعرفه.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، سوم، تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- عبدالباقي، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق)، معجم المفهرس لألفاظ القرآن الكرم، بيروت: دارالفكر.
- فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتيح الغيب، سوم، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- فراهيدى، خليل بن احمد (بى تا)، كتاب العين، دوم، قم: هجرت.
- فضل الله، سيد محمدحسين (۱۴۱۹ق)، تفسير من وحي القرآن، دوم، بيروت: دارالطباعه و النشر.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب (بى تا)، القاموس الخيظ، اول، بيروت: دارالكتب العلميه.
- قيومى، احمد بن محمد (بى تا)، المصباح المنير، دوم، قم: مؤسسة دارالمجره.
- قرطبى، محمد بن احمد (۳۷۴ش)، الجامع الأحكام القرآن، اول، تهرن: ناصرخسرو.
- مصطفوى، حسن (بى تا)، التحقيق فى كلمات القرآن الكرم، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالكتب العلميه.
- هارون بن موسى (۱۴۰۹ق)، الوجوه و النظائر فى القرآن الكرم، بغداد: دايره الآثار و التراث.
- يزدى طباطبايى، سيد محمدكاظم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى، الطبعة الثانية، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

شرح معنى «الفتنة» في الآيات التي تشتمل على معنى الكفر و الشرك و الإرتداد

كاوس روى برندق*^١، على بيدسرخى^٢

١. أستاذ مساعد في قسم العلوم القرآنية و الحديث بجامعة تربيت مدرس

٢. طالب ماجستير في العلوم القرآنية و الحديث بجامعة تربيت مدرس

الملخص

استعملت مادة الفتنة و مشتقاتها في آيات القرآن الكريم في معان مختلفة و ذكر المفسرون وجوها لمعنى هذه المادة، منها: الكفر و الشرك و الاختبار و الضلالة و العذاب و غيرها، و ذكر المفسرون أيضا حججا مختلفة لتبيين معنى هذه المادة في الآيات السابعة التي ترتبط بمعنى الكفر و الشرك و الارتداد. تدرس هذه المقالة حجج المفسرين لتقدم نظرة شاملة في هذا الصدد، و النتائج التي حصلت عليها هي ان مادة الفتنة في الآية ١٩١ من سورة البقرة و الآية ٩١ من سورة النساء مطابقة لمعنى الشرك و الكفر، و في الآية ١٩٣ من سورة البقرة و الآية ٣٩ من سورة الأنفال، يفضل معنى الشرك على سائر الوجوه، و معنى الفتنة في الآية ٢١٧ من سورة البقرة هي إيذاء المسلمين على يد المشركين للإرجاعهم الى الكفر، و للفتنة في الآية ٢٣ من سورة الأنعام معان ثلاثة (الجواب، المعذرة، و الشرك و الكفر) و معنى الفتنة في الآية ١٤ من سورة الأحزاب يناسب معنى الارتداد.

الكلمات الرئيسية: الفتنة؛ القرآن؛ المفسرون؛ الكفر؛ الشرك و الارتداد.

